

شہنامہ چنگیزی

شمس الدین کاشانی



تصحیح و تحقیق

دکتر وحید قنبری ننیز



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۷۱]

گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری



هیأت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر زاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبابی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین وفايي (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



شهنامه چنگیزی شمس‌الدین کاشانی



تصحیح و تحقیق دکتر وحید قنبری نئیز

(عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز)

گرافیسیت، طراح و مجری جلد کاوه حسن بیگلر

لینتوگرافی
چاپ متن
صحافی
تیراژ
چاپ اول

کوثر
آزاده
حقیقت
۱۱۰۰ نسخه
۱۳۹۹

ناشر

انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی‌عصر، بالاتر از چهارراه پارک‌وی، خیابان عارف‌نسب، کوی لادن، شماره ۶

تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ دوزنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دوزنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولید

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ و قفنامه)

متولیان منصوص و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - بازرس)
سید محمود دعایی - دکتر علی محمد میر (جانشین: دکتر احمد میر)
ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

هیئت مدیره (منتخب شورای تولید)

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیأت مدیره) - ابراهیم ابراهیمی (نایب رئیس هیئت مدیره، معاون قضائی دیوان عالی کشور)
دکتر محمد افشین وفایی (مدیر عامل) - معصومه پاکراد (خزانه دار)



درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منصوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار
مهندس نادر افشار - بهروز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳)
دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح - دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر محمدعلی هدایتی

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ و قفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ و قفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازرگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ و قفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمت‌های مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان‌شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقفنامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می‌باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می‌گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولیت است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

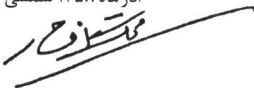
هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می‌توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف‌های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می‌باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی
آذرماه ۱۳۵۸ شمسی



تکمله سوم

کتبی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می‌شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه‌هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می‌شود صددرصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه‌هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در بر داشته، کتبی که بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی و حکایت از رواج زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه‌آمیز و روش‌ها و سیاست‌های فتنه‌انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ‌نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می‌توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن‌که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان‌نامه نگاهشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می‌شود باید منزه باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی و ادبی ایران‌شناسی... در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتم که مبدا چنین رسالاتی سال‌ها بعد از ما نخواسته و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری‌ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می‌باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد. ان شاء الله

تکمله و تبصره

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزّه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانناژ و هوچی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چون نتوان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتب و رسالات نه تنها هزینه و حق الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرید دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشر شده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.



به یاد
ایرج افشار

که از تبار جوینی‌ها و رشیدی‌ها بود



❖ فهرست مطالب ❖

	یادداشت
	چهل و سه
	۱. مقدمه
	چهل و پنج
	۱-۱. رواج تاریخ‌نویسی در عصر مغول
	چهل و هفت
	۱-۲. منظومه‌های تاریخی
	چهل و هشت
	۲. شمس‌الدین کاشانی
	پنجاه
	۱-۲. نام و نشان
	پنجاه
	۲-۲. تولد و مرگ
	پنجاه و یک
	۲-۳. دین و مذهب
	پنجاه و سه
	۲-۴. ممدوحان
	پنجاه و چهار
	۲-۴-۱. بهاء‌الدین محمد بن شمس‌الدین جوینی
	پنجاه و چهار
	۲-۴-۲. ارغون‌خان
	پنجاه و پنج
	۲-۴-۳. غازان‌خان
	پنجاه و پنج
	۲-۴-۴. الجایتو
	پنجاه و شش
	۲-۴-۵. خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی
	پنجاه و شش
	۲-۴-۶. چند ممدوح دیگر
	پنجاه و شش
	۲-۵-۱. یک شمس‌کاشی دیگر
	پنجاه و هفت
	۲-۵-۱. انتساب جمع‌آوری دیوان ظهیر فاریابی به شمس‌کاشی ..
	پنجاه و هشت
	۲-۶. اشعار شمس‌کاشی در جنگ‌ها و تذکره‌ها
	پنجاه و نه

۳. شهنامه چنگیزی شصت و
- ۱-۳. نام منظومه شصت و
- ۲-۳. وزن و بحر شصت و
- ۳-۳. تعداد ابیات شصت و
- ۴-۳. تاریخ سرودن منظومه شصت و
- ۵-۳. گزارش محتوا شصت و
- ۶-۳. شهنامه چنگیزی و جامع التواریخ شصت
- ۱-۶-۳. آیا جامع التواریخ مسوده‌ای برای شهنامه چنگیزی بوده است؟ شصت
- ۲-۶-۳. نظر بلوشه شصت و
- ۳-۶-۳. نظر مرتضوی هفتاد و
- ۴-۶-۳. نقدی بر آراء بلوشه و مرتضوی هفتاد و
- ۷-۳. میزان وفاداری شمس الدین کاشانی به جامع التواریخ هشتاد و
- ۱-۷-۳. تبعیت از متن هشتاد و
- ۲-۷-۳. عدول از متن هشتاد و
- ۸-۳. رابطه خواجه رشید فضل الله با شمس الدین کاشانی هشتاد و
- ۹-۳. فواید شهنامه چنگیزی در اصلاح نکاتی از جامع التواریخ هشتاد
- ۱۰-۳. منابع دیگر شمس الدین کاشانی هشتاد
- ۱۱-۳. شهنامه چنگیزی و شاهنامه فردوسی نود و
- ۱-۱۱-۳. یادکرد فردوسی در شهنامه چنگیزی نود
- ۲-۱۱-۳. شمس الدین کاشانی و تقلید از شاهنامه نود
- ۱-۲-۱۱-۳. تقلید در ساختار کلی منظومه نود
- ۲-۲-۱۱-۳. شیوه شروع داستان‌ها نود و
- ۳-۲-۱۱-۳. نتیجه‌گیری پایان داستان‌ها نود و
- ۴-۲-۱۱-۳. انتساب عناصر فرهنگ ایرانی به مغولان نود
- ۵-۲-۱۱-۳. کردارهای ما بعدالطبیعی نود و
- ۱-۵-۲-۱۱-۳. آگاهی یافتن از غیب نود و

فهرست مطالب نوزده

- ۱-۱-۵-۲-۱۱-۳. الهام غیبی نود و شش
- ۲-۱-۵-۲-۱۱-۳. پیغام سروش نود و شش
- ۳-۱-۵-۲-۱۱-۳. رؤیا نود و هفت
- ۴-۱-۵-۲-۱۱-۳. سخن انسان اهورایی نود و هفت
- ۲-۵-۲-۱۱-۳. جادو نود و هشت
- ۳-۵-۲-۱۱-۳. گذر از دریا نود و نه
- ۶-۲-۱۱-۳. مقایسه شاهان و شاهزادگان مغول با پهلوانان شاهنامه نود و نه
- ۷-۲-۱۱-۳. تقلید در سطح واژه‌ها، ترکیب‌ها، مضامین و مصراع‌ها صد
- ۳-۱۱-۳. چند بیت نویافته از بندار رازی و بحثی اجمالی در صد و یک
- ۱۲-۳. ارزیابی ادبی و زبانی شاهنامه چنگیزی صد و پنج
- ۱-۱۲-۳. بلاغت صد و پنج
- ۱-۱-۱۲-۳. بیان صد و شش
- ۱-۱-۱-۱۲-۳. تشبیه صد و شش
- ۱-۱-۱-۱۲-۳. انواع تشبیه صد و شش
- ۲-۱-۱-۱۲-۳. کنایه صد و هشت
- ۳-۱-۱-۱۲-۳. مجاز صد و ده
- ۴-۱-۱-۱۲-۳. استعاره صد و ده
- ۵-۱-۱-۱۲-۳. تمثیل صد و یازده
- ۶-۱-۱-۱۲-۳. توصیف صد و یازده
- ۲-۱-۱۲-۳. بدیع صد و سیزده
- ۱-۲-۱-۱۲-۳. جناس صد و سیزده
- ۲-۲-۱-۱۲-۳. مبالغه صد و پانزده
- ۲-۱۲-۳. زبان صد و شانزده
- ۱-۲-۱۲-۳. واژه‌ها صد و هفده
- ۱-۱-۲-۱۲-۳. باستان‌گرایی صد و هفده
- ۲-۱-۲-۱۲-۳. کاربرد لغات مغولی صد و هیجده

بیست شهنامه چنگیزی

- ۳-۱۲-۲-۱-۳. کاربرد واژه‌های عربی صد و هیجده
- ۳-۱۲-۲-۱-۳. ترکیب‌سازی. صد و نوزده
- ۳-۱۲-۲-۲. دستور. صد و نوزده
- ۳-۱۲-۲-۳. آواشناسی صد و بیست و دو
- ۴- بررسی نسخه‌ها و شیوه تصحیح متن صد و بیست و سه
- ۴-۱. معرفی و ارزیابی نسخ صد و بیست و سه
- ۴-۲. ویژگی‌های رسم‌الخط نسخه اساس صد و بیست و شش
- ۴-۳. مشخصات ظاهری نسخه اساس صد و بیست و شش
- ۴-۴- شیوه تصحیح متن صد و سی و هفت

یادداشت‌ها صد و سی و نه

شهنامه چنگیزی

- ۱ فی توحید باری عز اسمہ
- ۲ در نعت مصطفی علیه السلام گوید
- ۳ در موعظت از کلمات شیخ الاسلام عبدالله انصاری.
- ۴ در نعت پادشاه اسلام غازان رحمة الله علیه
- ۵ در نعت پادشاه اسلام سلطان اعظم محمد نورالله قبره
- ۵ در سبب وضع این کتاب
- ۶ ستایش وزیر نیکوسیرت خواجه رشیدالدین پادشاه را
- ۸ جمع فرمودن سلطان الوزرا خواجه رشیدالدین این کتاب را نیز و
- ۹ اشارت فرمودن پادشاه عادل غزان خان خلد ملکه مولا شمس‌الدین کاشی را
- ۹ در فضیلت علم تاریخ گوید
- ۱۱ آغاز داستان
- ۱۲ در صفت یافث پسر نوح علیه الصلوة و السلام.
- ۱۲ در صفت دیپ یاوقوی و فرزندان او.

فهرست مطالب بیست و یک

- در وصف اغوزخان و پادشاهی او ۱۳
- آگاهی یافتن کراخان از حال اغوز و رزم او با پسر ۱۵
- در معنی آنکه قبلی چه معنی دارد ۱۷
- در آنکه قبیچاق چه معنی دارد ۱۸
- در معنی آنکه لقب فرلق برگروه قرقلیان چون افتاد ۱۸
- در معنی آنکه خلیج را چرا خلیج خواندند ۱۹
- بزم ساختن اغوزخان در ارتاق و کرتاق ۲۰
- در مرتبه پسران اغوزخان و دست راست و دست چپ پیدا کردن ۲۱
- پادشاهی کزخان پسر اغوزخان ۲۱
- تدبیر ساختن لشکر را از قیل خواجه به فرمان کزخان ۲۲
- نگاه داشتن مغول راه و رسم از قیل خواجه ۲۳
- در صفت قبیله مغول و پدران چنگیزخان ۲۳
- در ذکر الاقوی و احوال او ۲۶
- در صفت بهار و ذکر دوران چنگیزخان ۲۶
- در ذکر آنکه چنگیزخان و غزان خان خلاصه مغول بودند ۲۸
- در آباستن شدن آلان قوی از نور ۲۹
- در آنکه مغول دو قسم اند نیرون و درالکین ۳۰
- در پادشاهی بُدنجرخان ۳۰
- در پادشاهی دوتومخان ۳۱
- صفت منولون و اسباب نعمت او ۳۱
- کشته شدن پسران منولون بر دست لشکر جلایر ۳۲
- صفت قیدو و ذکر ناچین و پادشاهی قیدو و فرزندان او ۳۵
- پادشاهی تومبینه خان و فرزندان او ۳۶
- پادشاهی قَبَل خان و ذکر احوال او ۳۷
- ذکر آنکه میان لشکر تاتار و مغول خصومت چرا بود ۴۱
- رزم قوتله خان با لشکر شاه خطا ۴۳

- ۴۴ رزم قُتله‌خان با لشکر دُربان
- ۴۵ داستان برتان و یسوکی که پدر چنگیزخان بود
- ۴۶ زادن چنگیزخان از مادر و احوال برادران اوی
- ۴۸ صفت ایلجدی و فرزندان اوی
- ۴۸ در ذکر اوچی خان برادر چنگیزخان
- ۴۸ در ذکر بلکوتی برادر چنگیزخان و ذکر فرزندش جاؤتو
- ۴۹ در فضیلت چنگیزخان بر خانان دیگر
- ۵۰ در صفت شب و کواکب و تشبیه کردن به شاه عالم چنگیزخان
- ۵۰ در ذکر زمان و فرزندان چنگیزخان
- ۵۱ در صفت آنکه از چار پسر چنگیزخان هر یک به چه کار مشغول بودند
- ۵۲ در صفت آنکه پادشاه سایه آفریدگار است
- ۵۳ در عدل پادشاه جهان غازان خان طاب ثراه
- ۵۴ در صفت چنگیزخان و احوال او از اول تا آخر
- ۵۶ برگشتن نوکران از چنگیزخان
- ۵۷ آغاز رزم چنگیزخان با ساموقه
- ۵۸ رزم تموچین با ساموقه و تایچوت و فنقرات و بورلاس
- ۵۹ ایل گشتن جاموقه و دیگر اقوام تموچین را
- ۶۰ بزم ساختن تموچین و همراهی ساختن قوم برکین
- ۶۱ آگاهی تموچین از لشکر تاتار
- ۶۳ رزم تموچین با جاء گمبو سپهدار کرایت
- ۶۴ هزیمت شدن جاء گمبو از تموچین و ایل شدن کرایت
- ۶۴ آغاز داستان اونک‌خان با تموچین
- ۶۵ رزم ارکه قرا با اونک‌خان و هزیمت شدن اونک‌خان
- ۶۶ رزم تموچین با لشکر مرکیت و توقتا شاه مرکیت
- ۶۸ پیکار چنگیزخان با بویرق‌خان با تایانک‌خان، شاه‌نایمان
- ۶۸ رفتن اونک‌خان و چنگیزخان به جنگ قوم نایمان و خیانت اونک‌خان

فهرست مطالب بیست و سه

- ۷۱ جنگ تموچین و اونک‌خان با اقوام تایجوت و مرکیت کهتر ایشان
- ۷۲ جنگ چنگیزخان و اونک‌خان با پنج قبیله قفقین و سالجوت
- ۷۳ کرامات گفتن صاحب فراستی از قوم بایارت که پادشاهی بر چنگیزخان قرار گیرد
- ۷۵ متفق شدن اقوام بسیار بر پادشاهی جاموقه و جنگ کردن با چنگیزخان
- ۷۷ هزیمت شدن جاموقه از لشکر چنگیزخان
- ۷۷ به غنیمت مشغول شدن عمّان و عم‌زادگان چنگیزخان در جنگ ایلچی تبار و
- ۷۸ گرد آمدن مهتران قبایل پیش بویرق و اتفاق کردن بر جنگ چنگیزخان
- ۷۹ جادوی ساختن دشمنان بر چنگیزخان و بازگردیدن مکر بدیشان
- ۸۰ ذکر مخالفت اونک‌خان و چنگیزخان و سرانجام کار ایشان
- ۸۲ [پیغام] فرستادن سنگون پسر اونک [خان] پیش پدر و او را بر مخالفت داشتن
- ۸۴ سخن در تفصیل حسن معنی بر حسن صورت و قیمت متاع
- ۸۵ خبر دادن باتا و قتل‌ی چنگیزخان را از قصد اونک‌خان
- ۸۶ جنگ اولین چنگیزخان با اونک‌خان و هزیمت شدن هر دو از پیش یکدیگر
- ۸۶ صورت جنگ قلاچین‌الت میان چنگیزخان و اونک‌خان و پسرش سنگون
- ۸۸ فرستادن چنگیزخان پیغام پیش اونک‌خان و با یاد او دادن حقوق بسیار و ذکر
- ۸۹ ذکر حقوق یسوقی بهادر بر اونک‌خان در دفع گورخان
- ۹۰ ذکر حقی که چنگیزخان بر اونک‌خان ثابت کرده بود
- ۹۰ ذکر حقی دیگر که درباره اونک‌خان به جای آورده بود
- ۹۱ ذکر حقی دیگر
- ۹۱ با یاد دادن عهدی که با یکدیگر کرده بودند
- ۹۱ ذکر حقوق دیگر
- ۹۲ پیغام فرستادن چنگیزخان به خویشانی که پیش اونک‌خان بودند
- ۹۴ التماس چنگیزخان که در پاسخ من هر یک جداگانه ایلچی فرستید
- ۹۴ جواب دادن سنگون ایلچی چنگیزخان را و آهنگ جنگ کردن
- ۹۵ آغاز جنگ کردن
- ۹۶ فرستادن چنگیزخان ایلچیان از زبان جوچی قسار پیش اونک‌خان به حیلت

- ۹۸ هزیمت شدن اونک خان از چنگیزخان و کشته شدن او.
- ۹۹ نشستن چنگیزخان به پادشاهی
- ۱۰۰ پیکار چنگیزخان با تایانک خان پادشاه قوم نایمان و کشته شدن ایشان
- ۱۰۲ جنگ بزرگ چنگیزخان با تایانک خان پادشاه نایمان و کشته شدن تایانک خان و...
- ۱۰۳ ملامت کردن امیر لشکر تایانک خان را که در جنگ سستی می‌کنی
- ۱۰۴ برانگیختن امیران تایانک خان را بر پیکار و جنگ
- ۱۰۵ مؤاخذه کردن بر کار فلک و جواب دادن خرد به وجه صواب
- ۱۰۶ برنشستن چنگیزخان به جنگ توقتایبگی و گریختن کوشلک
- ۱۰۷ گرفتن چنگیزخان طایراوسون و به ملک تنگت رفتن
- ۱۰۸ ذکر تاریخ پادشاه جهانگیر بر تخت و قرلتای فرمودن
- ۱۰۹ لشکر بردن چنگیزخان بر سر بویرق و کشتن او و گریختن کوشلک
- ۱۰۹ یاغی شدن اهل تنگت و رفتن چنگیزخان به جنگ ایشان
- ۱۱۰ جنگ کردن با توقتایبگی و کوشلک و کشته شدن
- ۱۱۰ رفتن ارسلان خان پادشاه قرلوق و یدی قوت پادشاه ایغور به...
- ۱۱۲ التماس کردن یدی قوت پدر فرزندی و خویشی از چنگیزخان
- ۱۱۲ عزیمت کردن چنگیزخان به اقلیم خطا و مسخر کردن
- ۱۱۴ فرستادن چنگیزخان جبه [را] به گرفتن آن شهر
- ۱۱۶ فرستادن کیوکینگ وزیر البان به پیغام پیش چنگیزخان
- ۱۱۷ مشورت کردن آلتان پادشاه ختا با وزیران
- ۱۱۸ رفتن آلتان خان از شهر جونکدو به شهر نمکینگ که پدرش ساخته بود
- ۱۱۹ فرستادن چنگیزخان امیران را با لشکر به گرفتن شهر جونکدو
- ۱۲۱ تخلص به نام پادشاه اسلام العجایتو سلطان محمد خلد الله ملکه
- ۱۲۱ فرستادن چنگیزخان سبودای بهادر [را] به جنگ قودو برادر توقتایبگی
- ۱۲۲ فرستادن شاه چنگیزخان بورغول نویین را به جنگ قوم تومات و ظفر یافتن
- ۱۲۳ فرستادن چنگیزخان موقلی کویانک را به ملک خطا و چین و ماچین و...
- ۱۲۴ داستان کوشلک و ظلم و بی‌راهی او در بلاد اسلام و خراب کردن بنیاد دین و...

فهرست مطالب بیست و پنج

- فرستادن سلطان خوارزمشاه پیغام به کوشلک ۱۲۵
- بحث خواستن کوشلک از ائمه و علماء ختن در باب دین و کشته شدن امام ۱۲۷
- تخلص به نام مبارک پادشاه اسلام الجایتو سلطان خلد الله ملکه و ۱۲۹
- فرستادن بازرگانان به ایران و پیغام به سلطان محمد خوارزمشاه ۱۳۱
- کشتن غایرخان بازرگانان را و نصیحت او را پشت پا زدن و آخر کار ۱۳۳
- پیغام فرستادن چنگیزخان به سلطان خوارزمشاه که به انتقام تجار اینک جنگ ۱۳۵
- رفتن سپاه مغول پیش چنگیزخان و خبر دادن از جنگ خوارزمشاه ۱۳۶
- خوف و هراس افتادن بر سلطان و بازگشتن به خراسان ۱۳۷
- لشکر خواستن سلطان جلال‌الدین از پدر تا با مغل جنگ کند و تأثیر نکردن ۱۳۸
- فرستادن چنگیزخان پسر را در راه ایران به گرفتن قرقیز ۱۳۹
- فرستادن چنگیزخان دوم نوبت و خبر دادن سلطان را از عزیمت خود ۱۴۰
- جنگ اولین چنگیزخان و کشته شدن اینال‌جق که کشته بازرگانان بود ۱۴۰
- در پند و نصیحت و پرهیز از مردم‌آزاری ۱۴۲
- رفتن پادشاه‌زاده جوچی به گرفتن جند و ۱۴۳
- خراب کردن شهر سُقناق و حکایت کشته شدن حسین حاجی ۱۴۳
- گرفتن شهر اوزکند و خراب کردن و قتل عام فرمودن و خراب کردن ۱۴۴
- رفتن جنت‌مور به ایلچی به شهر جند و سرکشی اهل شهر ۱۴۴
- لشکر بردن الاق نویین و گرفتن شهر فناکت ۱۴۶
- ذکر فتح خجند و خرابی حصارش و صفت بهادری تمورملک و گریختن او و ۱۴۶
- عزیمت پادشاه چنگیزخان به بخارا و در راه رسیدن به شهر زرنوق و فرستادن ۱۴۷
- رفتن چنگیزخان به بخارا و گرفتن شهر و تماشا کردن با پسر تولو ۱۴۹
- عزیمت فرمودن چنگیزخان به شهر سمرقند و توقف کردن آنجا ۱۵۱
- رفتن شهزادگان به فرمان پدر و بگرفتن خوارزم ۱۵۳
- فرستادن چنگیزخان سه امیر به طلب سلطان خوارزمشاه ۱۵۳
- سخن گفتن چنگیزخان با امیران ۱۵۴
- فرستادن چنگیزخان پسر کهتر تولو را به فتح خراسان و خود به سمرقند ۱۵۵

- ۱۵۵ حکایت خان ملک و کشته شدن امیر قوچر بر دست اوی
- ۱۵۷ گرفتن امیران جبه و سوبدای شهر زاوه را و قتل و غارت کردن
- ۱۵۷ رسیدن امیران جبه و سوبدا به شهر نشابور به طلب خوارزمشاه
- ۱۵۹ سواد یرلیغ چنگیزخان که به همه عالم نوشته است
- ۱۶۱ فرستادن مال خزاین و زن و بچه خوارزمشاه به سمرقند به حضرت چنگیزخان
- ۱۶۱ از غصه مردن سلطان محمد در جزیره دریای مازندران
- ۱۶۲ ذکر خرابی که جبه و سوبدای کردند در ایران زمین
- ۱۶۲ کوچ کردن پادشاه جهانگیر با لشکری بی کران از سمرقند و فرستادن پسر خود
- ۱۶۳ آهنگ کردن چنگیزخان به شهر ترمذ و فرستادن ایلچی و خبر دادن
- ۱۶۴ گذشتن چنگیزخان بر جیحون و ترمذ و رسیدن به بلخ و خراب کردن
- ۱۶۴ رسیدن چنگیزخان به طالقان و توقف نمودن به جهت سختی حصارش
- ۱۶۶ گرفتن شاهزادگان خوارزم را و قتل و غارت کردن
- ۱۶۶ فرستادن پیغام به شیخ نجم‌الدین کبری و خواندن او به حضرت
- ۱۶۶ گرفتن شهزاده تولو همه شهرهای خراسان را و خراب کردن
- ۱۶۷ غمناک شدن چنگیزخان به جهت وفات پسر جغتای مواتگان
- ۱۶۹ داستان سلطان جلال‌الدین و جنگ او با لشکر چنگیزخان
- ۱۷۲ روان شدن چنگیزخان با همه پسران به جنگ سلطان جلال‌الدین
- ۱۷۴ گذشتن سلطان بر آب سند و جان بردن و زن و بچه به چنگیزخان سپردن
- ۱۷۴ فرستادن چنگیزخان امیران بزرگ دربی و بلا را در پی سلطان
- ۱۷۵ برگشتن چنگیزخان مظفر و منصور از کشور ایران زمین
- ۱۷۶ فرمودن چنگیزخان به مادر خوارزمشاه ترکان تا در پیش لشکر نوحه کند
- ۱۷۶ تمامی حکایت جبه و سوبدای که در ایران چه کردند
- ۱۷۷ گذشتن جبه و سوبدای بر دربند خزر و رسیدن به دشت قبیچاق
- ۱۷۸ جنگ جبه و سوبدای با لشکر قبیچاق و ظفر یافتن بر ایشان
- ۱۷۹ رسیدن چنگیزخان به اردوی مبارک و تختگاه فرخنده
- ۱۸۰ کشتن چنگیزخان سیصد هزار مرد از لشکر تنگقوت

فهرست مطالب بیست و هفت

- ۱۸۱ خواب دیدن چنگیزخان و بدانستن که عمرش سپری شده است.....
- ۱۸۲ التماس کردن پادشاه تنکت عهد و پیمان از چنگیزخان.....
- ۱۸۳ وصیت کردن چنگیزخان.....
- ۱۸۳ وفات یافتن چنگیزخان.....
- ۱۸۵ تخلص به نام الجایتو سلطان خلد الله ملکه.....
- ۱۸۶ آغاز وصایای سودمند که چنگیزخان فرموده است.....
- ۱۸۶ از پندها و بیلگ‌ها که فرموده است.....
- ۱۸۷ پند دیگر که فرموده است.....
- ۱۸۸ نصیحت دیگر.....
- ۱۸۸ پند دیگر.....
- ۱۸۸ پندی دیگر.....
- ۱۸۹ بندی سودمندی دیگر.....
- ۱۸۹ خیر داده است از حال فرزندان خود که بعد از او چگونه باشند.....
- ۱۸۹ نصیحت در اجتناب از شراب خوردن.....
- ۱۹۰ فرموده که فرزندان را هنر آموزید.....
- ۱۹۰ سؤال.....
- ۱۹۱ در آنکه تربیت لشکر بر تمن و هزاره و صده و دهه چگونه فرموده است.....
- ۱۹۲ فرموده است که دختران خوب از هر خانه به درگاه برند.....
- ۱۹۲ در التفات نمودن به میراث و مبارک ندانستن تصرف در آن.....
- ۱۹۲ در یاساق‌نامه نوشتن و کارها ساختن.....
- ۱۹۳ در رسم نامه فرستادن.....
- ۱۹۳ در باب نامه نوشتن که همه کس را نام تنها نویسند.....
- ۱۹۳ مبالغت فرموده است در شکار کردن.....
- ۱۹۳ در صفت هر چهار پسر.....
- ۱۹۵ جنگ کردن آلیان‌خان با لشکر خطای.....
- ۱۹۶ رفتن اوکتا قاین به جنگ آلتان‌خان.....

- ۱۹۷ جنگ کردن آلیان‌خان با لشکر خطای
- ۱۹۸ رسیدن تولو بر لشکر خطا و بازگردیدن به دربند
- ۱۹۹ صنعت خدا فرمودن تولوخان و برف و سرما پدید کردن
- ۲۰۳ درگذشتن تولوخان به وقت مراجعت از جنگ خطا
- ۲۰۳ شکسته شدن قولقو از سپاه خطای
- ۲۰۵ گرفتن لشکر اوکتاقان تختگاه آلتان‌خان
- ۲۰۶ در پند و نصیحت مغروران جاه و مال
- ۲۰۶ با حکایت سلطان جلال‌الدین گراییدن
- ۲۰۷ جنگ کردن سلطان جلال‌الدین و شکستن لشکر هندوستان
- ۲۰۸ گردیدن سلطان جلال‌الدین در هندوستان و مسخر کردن
- ۲۰۸ بازگردیدن سلطان جلال‌الدین به عزم عراق و خراسان
- ۲۰۹ رسیدن سلطان از کرمان به شیراز و زنی کردن دختر اتابک سعد
- ۲۱۰ رسیدن سلطان از اصفهان به ری و گرفتن ایران‌زمین
- ۲۱۰ شکستن سلطان لشکر بغداد را و کشتن قشتمور
- ۲۱۱ گرفتن سلطان شهر تبریز را و گریختن اتابک ازبک و از غصه مردن
- ۲۱۱ جنگ سلطان با گرجیان و گرفتن مهتران گرج و کشتن لشکر بسیار
- ۲۱۲ جنگ کردن سلطان با تایماس و تاینال بر در اصفهان
- ۲۱۲ جنگ کردن سلطان نوبت دوم با لشکر گرجیستان
- ۲۱۳ جنگ کردن سلطان نوبت سیوم با لشکر گرجیستان
- ۲۱۵ کشتن سلطان از ناور گرجیستان را پیاده به تنهایی
- ۲۱۵ حصار دادن اخلاط را و گرفتن سلطان اخلاط را
- ۲۱۶ خبر یافتن سلطان که چرماغون نویین به عزم رزم می‌آید
- ۲۱۶ مدد خواستن سلطان از خلیفه و التفات نکردن اوی
- ۲۱۷ شبیخون بردن لشکر چرماغون به سلطان
- ۲۱۸ کشته شدن برادر [ان] سلطان غیاث‌الدین و رکن‌الدین
- ۲۱۹ در پند و نصیحت خداوندان جاه و مال

فهرست مطالب بیست و نه

- ۲۱۹ حکایت اوکیا قائن و ذکر سیرت اوی
- ۲۲۰ رفتن منکوقان و کیوک خان به جنگ ولایت قبیچاق
- ۲۲۲ شکستن شهزادگان لشکر فراوان اقالیم فرنگ و قبیچاق
- ۲۲۳ به پادشهی نشستن باتو در دشت قبیچاق به فرمان اوکیاقاین
- ۲۲۳ گرفتن منکوقان نجمان را که خونی و دزد بود
- ۲۲۴ ذکر کردارهای نیکو و آداب و اخلاق ستوده اوکیاقان و آرایش
- ۲۲۴ بزم و خوشی عیش او
- ۲۲۵ حکایت ترتیب آلات بزمگاه پادشاه کریم اوکیاقان
- ۲۲۶ ذکر شکار و نخجیر کردن
- ۲۲۷ ذکر افعال و کردار اوکیاقان
- ۲۲۷ حکایت کلاه که شخص پیش اوکیاقان برده بود
- ۲۲۸ تخلص به نام پادشاه الجایتو سلطان خُلد ملکه
- ۲۲۹ حکایتی در باب کرم و نیک سیرتی اوکیا قاین
- ۲۲۹ در نیکوسیرتی خان
- ۲۳۱ حکایت که در شکارگاه بر حیوانات رحم آورده است
- ۲۳۲ حکایت قرض خواستن درویش از اوکیاقاین
- ۲۳۲ عنایت نمودن اوکیا با مسلمانان و تفضیل نهادن بر دیگران
- ۲۳۳ به یاسا رساندن اوکیا شخصی را که قصد مسلمان کرده بود
- ۲۳۵ در سرانجام کار و وفات شاه کریم اوکیا قاین
- ۲۳۵ داستان جوچی پسر مهتر پادشاه جهان چنگیزخان
- ۲۳۷ حکایت پسر دوم چنگیزخان جغتای
- ۲۳۸ حکایت تولو پسر چهارم چنگیزخان که پدر او را از عزیزی اُلغ نویان خواندی
- ۲۳۹ داستان پادشاهی گُیوک خان پسر هوکدای قاین
- ۲۴۰ حکایت فاطمه طوسی حاجبه خاتون مادر گیوک خان
- ۲۴۴ حکایت گُیوک خان
- ۲۴۷ وفات یافتن گُیوک خان

- ۲۴۸ رفتن منکوقان پیش باتو و قرار گرفتن پادشاهی بر او
- ۲۴۸ فرستادن باتو از دشت قبیچاق پیغام به شهزادگان و امیران که منکوقاین را به...
- ۲۴۹ نشانیدن باتو منکوقان به پادشاهی در مقام قبیچاق
- ۲۵۰ فرستادن شاهزادگان پیغام پیش باتو که با پادشاهی منکو راضی نیستیم
- ۲۵۱ ایلچی فرستادن برکه پیش باتو که شهزادگان به قورلتای نمی آیند
- ۲۵۱ ذکر تاریخ که منکوقان در قراقرم بر تخت نشست به پادشاهی
- ۲۵۳ بر تخت نشستن منکوقاآن
- ۲۵۳ در بزم ساختن منکوقاین
- ۲۵۴ خبر یافتن کیشک از مکر و قصد شهزادگان
- ۲۵۷ یرغو داشتن منکو قاین شهزادگان را
- ۲۵۸ پرسیدن منکو قاین که سزای کسانی که سرکشی کنند چه باشد
- ۲۵۸ حکایت گفتن محمود یلواج پیش تخت منکوقاین
- ۲۶۰ رسیدن منکوقان به سخن محمود یلواج و کشته شدن امیران
- ۲۶۱ اجازت خواستن شهزادگان [و] برادران باتو
- ۲۶۲ رسم‌های نیکو نهادن منکو قاین
- ۲۶۳ ترخان کردن منکوقان اهل علم و هنر را
- ۲۶۴ رفتن قبلا به حدود خطا و ختن
- ۲۶۵ عزیمت فرمودن منکو قاین به گرفتن ملک ننگیاس
- ۲۶۸ وفات یافتن منکوقاین در ولایت ننگیاس
- ۲۶۸ در مرتبه پادشاه عادل منکو قاین
- ۲۶۹ فتنه انگیختن اریق بکه برادر منکوقان به طمع پادشاهی
- ۲۷۰ به پادشاهی نشستن اریق بکه به کنکاج جمعی ناکاردانان
- ۲۷۱ به پادشاهی نشستن قبلا قاین در حدود خطا
- ۲۷۲ رزم اریق بکه و قبلا قاین
- ۲۷۳ فرستادن اریق بکه شهزاده الغورا به ترکستان
- ۲۷۵ فرستادن قبلا قاین پیغام به هلاکو و الغو

فهرست مطالب سی و یک

- کشتن اریق بکه بعضی لشکر قبلا قاین به مکر و حیلت ۲۷۵
- عهد شکستن اریق بکه و عزم جنگ قبلا قاین کردن ۲۷۶
- لشکر فرستادن اریق بکه به جنگ آلعو ۲۷۷
- رفتن اریق بکه از عجز به درگاه قبلا قاین ۲۷۹
- یرغو داشتن قبلا قاین اریق بکه را ۲۸۰
- در نصیحت و پند حریصان ۲۸۱
- داستان شهزاده قیدو و سبب یاغی شدن او ۲۸۱
- ذکر پسران قبلا قاین که از خاتون بزرگ در وجود آمده‌اند، درجی و ۲۸۲
- ذکر پادشاه عالم اولجایتو سلطان محمد خُلد ملکه ۲۸۳
- ثنای پادشاه اسلام اولجایتو محمد خلد الله ملکه ۲۸۳
- ذکر شهزادگان دیگر و کیفیت حال ایشان ۲۸۴
- فرستادن قبلا قاین نومغان و امیر هنتون را به جنگ قیدو ۲۸۴
- رفتن لشکر مغول و ختای به فرمان قبلا به اقلیم ننگیاس ۲۸۸
- صفت طول و عرض مملکت ۲۹۰
- صفت شهر دیدو که قبلا قاین ساخته است ۲۹۱
- صفت جو که قبلا قاین از زیتون بندر هندستان آورده است ۲۹۲
- صفت وزیر نامدار تمورقاین ۲۹۳
- ذکر نومغان و جیم‌کیم به پدر الجایتو قاین خُلد ملکه ۲۹۴
- فرستادن کوکچین خاتون سید اجل را پیش قبلا قاین ۲۹۵
- درگذشتن قبلا قاین ۲۹۶
- به پادشاهی نشستن تمور قاین ۲۹۷
- ذکر شهزاده جوان‌بخت آینده پسر سوم قبلا قاین ۲۹۸
- مدح پادشاهان ایران و توران ۲۹۸
- در توقف داشتن صفت پادشاهان ۲۹۹
- با سر حکایت منکوقاین رفتن ۲۹۹
- تشبیه مقدمه سخن و داستان در صفت سخنی که شاید که خوانند ۳۰۰

- در سیرت منکوقاین ۳۰۰
- ایلچی فرستادن تایجو نویین پیش منکو قاین ۳۰۳
- آمدن بازارگانان به داد خواستن به درگاه منکو قآن از دست دزدان و ۳۰۴
- سخن گفتن منکوقاین با برادر کهتر خود در کار ایران ۳۰۵
- روانه شدن هلاکوخان به عزم عراق و فتح قلاع ملاحده ۳۰۷
- رسیدن هلاکوخان به شهر سمرقند و طی کردن مسعودبک ۳۰۸
- رسیدن هلاکو به شهر تون و خراب کردن و قتل عام فرمودن ۳۱۰
- کشتن علاالدین به دست حسن مازندرانی ۳۱۱
- رسیدن هلاکو به طوس ۳۱۲
- آمدن ناصرالدین محتشم به حضرت هلاکوخان ۳۱۳
- فرستادن خورشاه برادر را به حضرت ۳۱۳
- ذکر نصیرالدین طوسی و حکمای دیگر ۳۱۴
- نهادن هلاکوخان روی به فتح میمون دز ۳۱۵
- باز پس فرستادن هلاکو رسولان خورشاه ۳۱۶
- رسیدن هلاکو به حصار میمون ۳۱۷
- ندا کردن کوتولان از میمون دز ۳۱۷
- سخت فرو گرفتن پیکار و ترسیدن خورشاه ۳۱۹
- در جنگ آمدن لشکر از همه جوانب و به جان آمدن قلعه نشینان و ... ۳۲۰
- فرود آمدن خورشاه از قلعه به بندگی هلاکوخان ۳۲۱
- فرستادن خورشاه پیغام به قلعه ها و خراب کردن ۳۲۲
- ذکر ملازمت حکما از سر هواخواهی و دوستی ۳۲۳
- کشته شدن خورشاه به فرمان منکو قاین ۳۲۴
- رسیدن امیر لشکر تایجو از روم به حضرت هلاکوخان ۳۲۴
- صفت شهر بغداد و خوشی آن و ذکر خندق ۳۲۵
- مسخر کردن ممالک روم را بر موجب فرمان پادشاه ۳۲۵
- ذکر پسران و خاتونان که ملازم هلاکوخان بودند ۳۲۶

- آغاز داستان فتح بغداد و خراب شدن آن خطه ۳۲۶
- فتنه انگیختن دوات‌دار کوچک در بغداد ۳۲۷
- فرمان فرستادن هلاکوخان بر دست ایلچیان به خلیفه بغداد ۳۲۸
- فرستادن مستعصم رسولان از بغداد بدرالدین دزبکی و ابن جوزی ۳۲۹
- دیگر باره فرستادن پادشاه جهان هلاکوخان کسان را پیش خلیفه و ۳۳۰
- نصیحت کردن پیر جهان‌دیده مستعصم را ۳۳۳
- پیغام فرستادن خلیفه ۳۳۵
- روان کردن هلاکو امیران بزرگ را با لشکر از چهار حد به عزم گرفتن بغداد ۳۳۵
- پرسیدن هلاکو از حسام‌الدین کیفیت احوال ۳۳۸
- رد کردن خواهجه نصیر در بحث سخن‌های حسام منجم را ۳۳۸
- فرمودن که لشکر از چهار جانب به روزی معین به بغداد رسند ۳۳۹
- جنگ کردن سونجاق با دوات‌دار کوچک ۳۴۰
- یاد کردن هر شهزاده و میری که بر کدام طرف بغداد جنگ کردند ۳۴۲
- خراب کردن هلاکوخان از جانب شرقی بغداد برج عجم را ۳۴۳
- فرستادن خلیفه پسر [و] وزیر فخرالدین [را] به حضرت ۳۴۴
- دگر باره فرستادن پسر مهتر به شفاعت به پیش هلاکو ۳۴۴
- فرستادن پادشاه خواهجه نصیر را پیش خلیفه ۳۴۴
- فرستادن پادشاه دانا مغولان را با لشکر تا مشهد امیرالمومنین ۳۴۵
- یرلیغ‌ها نوشتن به فرمان و در بغداد انداختن به تیر ۳۴۵
- به درگاه خواندن پادشاه لشکرکشان را ۳۴۶
- کشتن هلاکوخان همه لشکر بغداد که از شهر بیرون آمده بودند ۳۴۶
- بیرون آمدن [خلیفه] از عجز و بیچارگی با چهار پسر و سه هزار ائمه و ... ۳۴۷
- در شهر رفتن پادشاه و بزم ساختن در دارالخلافة ۳۴۸
- گفتن خلیفه وزیر ابن علقم را که تدبیر چیست و چه سازم ۳۵۱
- فرستادن هلاکوخان حاکم و شحنة به بغداد تا پس از خرابی آبادانی کنید ۳۵۲
- رفتن امیر اُرُقتو به فرمان به شهر اربیل تا آنک مسخر کند ۳۵۲

- ۳۵۳ ایل شدن اهل حله بی جنگ و پیکار. ۹۱۷
- ۳۵۳ رفتن امیر بوقا به شهر واسط و قتل و غارت کردن. ۷۱۷
- ۳۵۴ رفتن شهزاده یُشمُت به میافارقین و حال ملک کامل.
- ۳۵۷ رفتن شهزاده یشموت به فرمان شاه جهانگیر هلاکوخان به گرفتن میردین.
- ۳۶۰ جمع کردن زر و مال که از خزاین جمع کرده بود.
- ۳۶۰ صفت عمارت که از کوه دریای سلماس بر آورده بود.
- ۳۶۰ فرستادن هلاکوخان ایلچیان با زر به حضرت برادر خود.
- ۳۶۰ منکوقاین و ذکر احوال با او.
- ۳۶۱ فرمان نوشتن و فرستادن هلاکوخان پیش صاحب حلب.
- ۳۶۲ رسیدن رایات جهانگشای به شهر حلب.
- ۳۶۳ آمدن اهل دمشق به حضرت و ایل شدن بی جنگ.
- ۳۶۴ رسیدن خبر وفات منکوقاین به هلاکوخان و بدین سبب.
- ۳۶۴ از شام برگردیدن و کتبقا نوین را به دمشق گذاشتن.
- ۳۶۵ فرستادن پادشاه هلاکوخان یرلیغ پیش سلطان مصر و چهل ایلچی بدین مهم.
- ۳۶۶ جنگ سلطان مصر با کتبقا نوین و گرفتار شدن کتبقا و کشته شدن.
- ۳۶۷ تنها پیکار کردن کتبقا و از اسب افتادن و گرفتار شدن.
- ۳۶۹ ذکر وفات سلطان موصل بدرالدین لؤلؤ و بدی حال پسرش ملک صالح و.
- ۳۷۱ قحط و وبا پیدا شدن در شهر موصل و به بیچارگی از شهر بیرون آمدن.
- ۳۷۲ سؤال در آنک به کردار بد پدر چرا باید که [پسر] گرفتار باشد.
- ۳۷۲ داستان جنگ برکه با هلاکوخان و سبب مخالفت ایشان و لشکر فرستادن او.
- ۳۷۳ شکستن لشکر نوخی سیرمون را و ابتای نوین شکستن لشکر برکه.
- ۳۷۴ رفتن پادشاه پیروز جنگ هلاکوخان در عقب لشکر برکه [که] نوخی.
- ۳۷۴ سردار ایشان بود و از دربند گذشتن در پی هزیمتیا.
- ۳۷۵ آگاه شدن برکه از کار لشکر و آمدن به قفقاق و هزیمت شدن لشکر هولاکو از او.
- ۳۷۷ بخشیدن هلاکوخان ولایت ایران و شهزادگان.
- ۳۷۸ پدید آمدن ذوذوابه.

فهرست مطالب سی و پنج

- ۳۷۹ دعای پادشاه اسلام سلطان محمد خلد الله ملکه
- ۳۷۹ آغاز داستان پادشاهی ابقاخان بن هلاکوخان
- ۳۸۰ آمدن نُحی به جنگ ابقاخان با لشکر بسیار و هزیمت شدن
- ۳۸۲ آمدن وزیر بزرگ مسعودبک به ایلچی‌گری پیش ابقاخان
- ۳۸۳ عزیمت کردن براق به گرفتن ملک ایران به کنکاج قیدو
- ۳۸۴ فرستادن براق ایلچی پیش تبسین اغل به دعوی علف‌خوارهای خراسان
- ۳۸۷ لشکر آراستن ابقاخان و براق برابر یکدیگر و جنگ ایشان
- ۳۸۸ جنگ ابقاخان با براق و کشته شدن یک پسر براق در آن جنگ و تمامی آن
- ۳۸۹ سخن گفتن سنتای با لشکر و تحریض نمودن لشکر را بر جنگ و تمامی آن
- ۳۹۰ هزیمت شدن لشکر براق از ابقاخان و رفتن به ولایت خویش و انجام کار او
- ۳۹۰ پیروز شدن ابقاخان در جنگ براق و ذکر داد و نیک‌محضری او
- ۳۹۱ رسیدن ایلچی قبلائی قآن که عمّ آباقا بود نزد آباقا و فتح‌نامه آوردن
- ۳۹۱ ذکر آبادانی و ارزانی بازار عالم و معموری جهان در زمان آباقاخان
- ۳۹۲ رفتن ابقاخان از بغداد به همدان و نشان مرگ دیدن و انجام کار او
- ۳۹۲ وفات یافتن ابقاخان و مناظره کردن ارغون و احمد در کار پادشاهی
- ۳۹۳ نشستن سلطان احمد به پادشاهی
- ۳۹۴ بددل شدن شهزاده قنقراتای و امرای لشکر سلطان احمد
- ۳۹۵ لشکر بسیار از هر صنف روان کردن سلطان احمد
- ۳۹۶ جنگ کردن ارغون‌خان با لشکر سلطان احمد
- ۳۹۶ فرستادن ارغون‌خان ایلچی [پیش] سلطان احمد به التماس صلح
- ۳۹۸ فرستادن ارغون‌خان غزان را پیش سلطان احمد
- ۴۰۰ تدبیر ساختن وزیر پردان بقا به جهت خلاص خلاصه پادشاهان [ارغون] خان
- ۴۰۲ آگاه شدن احمد از کار بقا و به تندى بازگشتن و رفتن به جنگ بقا و ارغون
- ۴۰۳ هزیمت شدن احمد و لشکر فرستادن ارغون از دنبال او
- ۴۰۳ رای زدن شاهزادگان در کار پادشاهی و هرگونه سخن گفتن مهتران در آن
- ۴۰۵ غارت کردن قراوناسن اردوی سلطان احمد را

- ۴۰۵ یرغو داشتن سلطان احمد و بر او درست شدن گناه و به یاسا رسانیدن اوی
- ۴۰۶ در پند و نصیحت محبان مال و جاه
- ۴۰۶ مقدمه داستان در پادشاهی ارغون خان
- ۴۰۷ بر تخت نشستن [ارغون] خان
- ۴۰۸ شهید شدن شمس الدین صاحب دیوان
- ۴۱۰ تنبیه و نصیحت مهوسان اعمال
- ۴۱۱ پند و موعظت دنیاپرستان
- ۴۱۱ در کیفیت احوال بقا و ذکر عاقبت و خیم اوی
- ۴۱۴ کشته شدن وزیر بزرگ بوقا به قصد حاسدان
- ۴۱۴ در پند و نصیحت
- ۴۱۵ در صفت عارفان و کاملان
- ۴۱۵ مدح و ثنای وزیران نیکوکار عاقبت اندیش
- ۴۱۶ حکایت سعد دولة و عاقبت و خیم اوی
- ۴۱۶ التماس کردن سعدالدوله از پادشاه عادل ارغون خان که در کار ممالک اردوقیا
- ۴۱۸ بزم ساختن طغر به حیل و کشتن امیران و سعدالدوله را
- ۴۱۸ نوازشی که ارغون ناظم کتاب را فرموده است
- ۴۱۹ آغاز داستان پادشاهی گیختو خان برادر ارغون خان
- ۴۲۰ بر تخت نشستن گیختو خان و کشتن خصمان
- ۴۲۰ عزیمت فرمودن گیختو خان به جانب [رم]
- ۴۲۱ ذکر خوش نشینی و کثرت معاشرت و مباشرت گیختو خان و سردگشتن میران
- ۴۲۱ ذکر صدرالدین زنگانی و روش بد اوی
- ۴۲۲ ذکر چاو نهادن چنانک در ملک ختای به تدبیر وزیر صدرالدین زنگانی در ملک
- ۴۲۳ ذکر قبیحاق پسر بایدو و شکایت نوشتن او از گیختو
- ۴۲۴ نشستن بایدو به پادشاهی
- ۴۲۵ ذکر جنگ بایدو و غزان خان
- ۴۲۶ سخن گفتن نوروز با بایدو و دفع او کردن و به لطایف الحیل پیش غزان باز آمدن

فهرست مطالب سی و هفت

- فرستادن نوروز غرغانی بسته پیش بایدو..... ۴۲۸
- ذکر وزیر بایدو جمال‌الدین دستگردانی ۴۲۸
- ذکر امیر چوپان که پیش از همه امیران به حضرت آمد..... ۴۳۰
- به پادشاهی نشستن غزان خان ۴۳۱
- مقدمه داستان..... ۴۳۲
- حکایت ولادت پادشاه غزان خان..... ۴۳۲
- ذکر تعیین ولادتش و نظر مسعود ۴۳۲
- تاریخ ابتداء ولادت مهدی آخرالزمان به حساب ترکی ۴۳۳
- ذکر کرم و عدل و تفضیل او بر نوشروان ۴۳۴
- دیدن اباقا نبیره خود غزان را ۴۳۴
- مقدمه دیگر ۴۳۵
- در اختیار کردن غزان خان از همه دینی دین مسلمانانی ۴۳۶
- ذکر شهزادگان و امیران که دل بد کرده بودند ۴۳۷
- فرستادن غزان سلطان محمد را به خراسان ۴۳۷
- آغاز حکایت نوروز ۴۳۸
- ذکر قصد صدرالدین در حق نوروز ۴۳۹
- مکر کردن صدرالدین زنگانی ۴۳۹
- رسیدن خدابنده سلطان محمد از خراسان به دیدن برادر ۴۴۱
- گریختن نوروز از لشکر غزان و در شهر هری متواری شدن به سخن ملک ۴۴۱
- نوشتن امیران غزان نامه پیش ملک فخرالدین در کار نوروز ۴۴۲
- کشته شدن نوروز بر در هری ۴۴۳
- سخن گفتن غزان در هنگام ترتیب ساختن ۴۴۴
- باز گردیدن مکرها به صدرالدین زنگانی ۴۴۴
- مکری دیگر اندیشیدن صدرالدین زنگانی در قصد امیر قتلغ شاه و بدی او در... ۴۴۴
- مکر کردن با خواجه رشیدالدین ۴۴۵
- به فرمان پادشاه راست گفتن امیر قتلغ شاه ۴۴۶

- ۴۴۷ کشته شدن صدرالدین زنگانی.
- ۴۴۷ ذکر سیرت پسندیده خواجه سعدالدین صاحب دیوان.
- ۴۴۸ آغاز مقدمه داستان لشکر کشیدن شاه عادل غزان خان به جنگ مصر و ظفر یافتن.
- ۴۴۸ حکایت عزیمت فرمودن پادشاه جهان غزان خان به جنگ ناصر به حدود شام.
- ۴۴۹ شناگفتن وزیر بزرگ پادشاه دادگر را.
- ۴۵۰ تاریخ عزیمت فرمودن پادشاه به جانب شام.
- ۴۵۱ بزم ساختن پادشاه در موصل.
- ۴۵۲ بگذشتن غزان بر فرات بی جسر و کشتی.
- ۴۵۲ گرد آوردن سلطان مصر سپاه بر عزم کارزار.
- ۴۵۳ اشارت فرمودن غزان به نماز جماعت و نماز کردن با همه لشکر.
- ۴۵۴ اندر نذر فرمودن پادشاه.
- ۴۵۴ گریختن نوکران قبچاق و پیش مصریان رفتن.
- ۴۵۵ جنگ کردن لشکر و پیاده شدن غزان خان.
- ۴۵۶ مردی نمودن امیر چوپان.
- ۴۵۹ لشکر فرستادن سلطان ناصر از پس لشکر ارغون و ظفر یافتن.
- ۴۶۰ صفت کارزار و غلبه پادشاه اسلام غزان و ذلیل شدن لشکر مصر و عزیزان.
- ۴۶۰ هزیمت شدن سلطان ناصر.
- ۴۶۱ تشبیه و تمثیل مناسب حال.
- ۴۶۲ رفتن امیران بزرگ چوپان و ملی و قرمسی و سلطان و چیچک هر یکی با.
- ۴۶۳ مراجعت فرمودن رایات منصور پادشاه عالم غزان خلد الله ملکه.
- ۴۶۴ گذشتن سلطان بر پل که بر فرات میردین بسته بود.
- ۴۶۶ آمدن سلطان محمد به دیدن برادر.
- ۴۶۷ صفت بارگاهی که از بهر قورلتای زده بودند.
- ۴۶۹ در حکایات و کرامات غزان سلطان رحمه الله.
- ۴۶۹ بازماندن پادشاه در شکارگاه و قصه شبان با اوی.
- ۴۷۰ ذکر عدل و کرم و داد سلطان غزان.

فهرست مطالب سی و نه

- سؤال ۴۷۱
- سؤال دیگر ۴۷۲
- جواب سالی ۴۷۲
- سؤال و جواب که با خواجه رشیدالدین فرموده است ۴۷۳
- سؤال که از خواجه پرسیده است ۴۷۳
- ذکر کرامات که بعد از ممات در حق آن پادشاه شده است ۴۷۴
- عزیمت فرمودن غزان خان نوبت دوم به جنگ سلطان ناصر ۴۷۶
- شرح اشتیاق دادن بلغان خاتون ۴۷۷
- معنی بزرگ کز صورتی کوچک برانگیخته است ۴۷۷
- تقریر کردن ایسن قتلغ بر پسندیدن سلطان ۴۷۸
- ذکر سؤالی که در باب تشبیه نرگس به چشم در حدود گاوباری فرموده است و ... ۴۷۹
- صفت و تشبیه انواع شقایق به اعضای بدن ۴۸۰
- حکایتی مناسب تقریر شاهنشاهی کردن ۴۸۱
- مقدمه دیگر ۴۸۲
- در صفت قبه که در شام بنیاد نهاده است ۴۸۳
- تخلص به نام مبارک الجایتو سلطان خلد الله ملکه و حسرت خوردن ۴۸۵
- ذکر وصیت پادشاه ۴۸۶
- مقدمه داستان پادشاهی سلطان اسلام ظل الله فی الارض الجایتو ۴۸۷
- در سر خواب و امثال روش ایشان به احوال مختلف ۴۸۷
- سخنی که غزان خان در خواب با بنده شمس کاشی گفته است ۴۸۸
- مقدمه دیگر در صفت بهار و تخلص به نام سلطان خلد ملکه ۴۸۹
- مقدمه دیگر در طلوع آفتاب وصف او [و] تخلص به نام پادشاه روی ۴۸۹
- ثنای خاتون بزرگ ۴۹۱
- ذکر ثنای شهزادگان بسطام و شاه بایزید ۴۹۱
- ذکر امیر بزرگ چوپان بیک زید عدله ۴۹۲
- ذکر امیر نامدار جنگسانک پولاد زید قدره و ذکر امیر اعظم ۴۹۲

- ۴۹۲ ذکر امیر سونج بیک دام اقباله.
- ۴۹۳ ذکر امیر عادل ایسن قتلغ عز نصره.
- ۴۹۳ ذکر پادشاهان گذشته و حکیمان روزگار که ملازمت بحث ایشان نموده‌اند.
- ۴۹۳ ذکر حکیمان.
- ۴۹۳ صفت پادشاهان.
- ۴۹۴ ذکر دانش و کمال استعداد پادشاه عادل اولجایتو سلطان محمد.
- ۴۹۵ تعلیم دادن خواجه ناظم کتاب را.
- ۴۹۶ سؤال کردن پادشاه از دانایان ملک خود.
- ۴۹۷ سؤالی دیگر که از وزیر خود فرموده است.
- ۴۹۸ فواید سخن پادشاه.
- ۴۹۸ در توحید باری تعالی و نعت خواجه کاینات محمد مصطفی علیه افضل الصلوات.
- ۵۰۰ سؤال کردن خواجه رشیدالدین.
- ۵۰۰ جواب سؤال خود گفتن.
- ۵۰۳ تحسین کردن افاضل تقریر خواجه را.
- ۵۰۳ در ذکر تخلص به نام مبارک پادشاه اسلام الجایتو سلطان و تحقیق سخنی دیگر.
- ۵۰۵ تخلص به نام سلطان محمد خلد الله ملکه.
- ۵۰۵ در صفت سلطان محمد خلد الله ملکه.
- ۵۰۶ در صفت سلطان محمد خلد الله ملکه و ذکر سیرتش.
- ۵۰۶ حکایت پادشاه جهانگیر اسکندر.
- ۵۰۷ پاسخ دادن ارسطو شاه را و رهنمونی کردن راه عقبی.
- ۵۰۸ سؤال کردن ارسطاطالیس.
- ۵۰۹ به اسم همایون پادشاه اسلام اعدل سلاطین العالم.
- ۵۰۹ سلطان محمد خلد الله ملکه و دولته.
- ۵۰۹ سؤال کردن حکیمی از اسکندر.
- ۵۱۰ سؤال دیگر.
- ۵۱۰ حکایت پادشاه جهان بهرام‌گور.

فهرست مطالب چهل و یک

۵۱۲	تخلص به نام پادشاه سلطان محمد خُلد ملکه
۵۱۳	حکایت افراسیاب
۵۱۴	حکایت انوشیروان
۵۱۴	سؤال انوشیروان از وزیر
۵۱۵	سؤالی دیگر که فرموده است
۵۱۵	رای زدن نوشروان با وزرای لشکر در امری معظّم و کاری ...
۵۱۶	پسندیدن بزرجمهر اندیشه‌ها و رای نوشیروان
۵۱۹	تعلیقات
۵۵۳	فهرست اشخاص
۵۸۱	فهرست اماکن
۵۹۱	کتابنامه



یادداشت

پیش از آنکه در سال ۱۳۸۹ در دوره دکتری دانشگاه شهید باهنر کرمان پذیرفته شوم کار بر روی *شهنامه چنگیزی* را آغاز کرده بودم. بعد از ورود به دانشگاه، به توصیه استاد ارجمند، جناب آقای دکتر مدبری تصحیح و مقابله *شهنامه چنگیزی* را به عنوان رساله دوره دکتری پیشنهاد کردم که پذیرفته شد. در نهایت این رساله به راهنمایی استاد دکتر محمود مدبری و مشاوره استادان دکتر محمدرضا صرفی و دکتر محمدصادق بصیری به سرانجام رسید و در تاریخ هفتم تیر ۱۳۹۳ با کسب درجه عالی از آن دفاع شد. همین جا لازم می دانم که از این سه بزرگوار قدردانی کنم. این تاریخ هفتم تیر، سالها پیش از این برای من مبارک بود. اساساً برای من هر جا و هر چه مرتبط با ایرج افشار باشد متبرک و مبارک است. اولین باری که من ایرج افشار را در منزلش زیارت کردم در هفتم تیر ۱۳۸۸ بود؛ هرچند با پنج سال تأخیر که این تأخیر حسرتی است جاودان که من در جایی دیگر به آن اشاره کرده ام (نک: هفته نامه استقامت، یادنامه باستانی پاریزی، اردیبهشت ۱۳۹۳).

باری، مدتی بعد دکتر مدبری ضمن لزوم چاپ *شهنامه چنگیزی*، فرموده سالها قبل استاد افشار مبنی بر استقبال از چاپ آثار مرتبط با عصر ایلخانان را یادآور شدند. این شد که متن *شهنامه چنگیزی* را تقدیم روانشاد کریم اصفهانیان کردم و فرموده استاد افشار را یادآور شدم. مرحوم اصفهانیان استقبال کردند و قرار شد که در جلسه شورای گزینش کتاب در این مورد تصمیم گیری شود؛ اما پیش از تشکیل این جلسه، کریم اصفهانیان در بهمن ماه ۱۳۹۴ به رحمت ایزدی پیوست. روانش شاد.

پس از آنکه دوست فاضل و دانشمند، دکتر محمد افشین وفایی مسئولیت انتشارات موقوفات را عهده‌دار شدند در همان اولین جلسه شهنامه چنگیزی در فهرست کتب مورد تأیید برای نشر قرار گرفت. پنهان نمی‌کنم که من از این بابت بسیار بسیار خوشحالم و فکر می‌کنم همکاری و همراهی با آنچه مزین به نام ایرج افشار است سعادت است که تنها شامل بعضی از پژوهشگران می‌شود. در همین جا با درود به روان پاک خاندان بزرگ افشار، خصوصاً ایرج افشار و جناب کریم اصفهانیان، از زحمات دوست ارجمند، جناب آقای دکتر افشین وفایی و همکارانشان در انتشارات موقوفات سپاسگزارم.

دوست عزیز و شریف، دکتر محمدحسین ایرانمنش از ابتدا تا انتهای این کتاب را با دقت خواند و ویرایش کرد، مرهون محبت‌هایش هستم.

از دکتر بهمن مرادیان بابت کمک در تهیه نسخه پاریس، از دکتر جواد بشری عزیز به خاطر اطلاع دادن از نسخه مجلس و از علی صفری آق‌قلعه به خاطر در اختیار قرار دادن نسخه ترکیه قدردانی می‌کنم.

از همراهی دکتر مهدی علایی، دکتر حمیدرضا خوارزمی و مقداد قنبری نیز تشکر می‌کنم.

سرکار خانم زینب نورپور جویباری متن را تایپ و صفحه‌آرایی کرد و محمدرضا قنبری نیز در استخراج فهرست اعلام همراه من بود. از ایشان سپاسگزارم. سرانجام از همسر فاطمه امینی‌زاده که با وجود اینکه خود از قبیلۀ ادب و فرهنگ است، اما این روزها و ماه‌ها علایق پژوهشی خود را به کناری نهاده و امور معوقه مرا سر و سامان می‌بخشد سپاسگزارم.

وحید قنبری نیز

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

تهران، آذرماه ۱۳۹۸